

تو کتبی، که توانی سهم فرود آری!

فدک بزمه، خدامم

که ضم زده است سرم

+ دین کجی بمن، از زنت گور دران!

که گرتو سگ سرم

من از تو سگ سرم

+ چه بد بگون و سگ را

که ناسدی از آفات، ناتوانی است

خوش تر است بدلی زدن، به بدتر

وزنده ماندن و دیدن

زمن زینت

همه بر کسی به اسدی، نفس کشد و روز

+ مرا تو هم شعرو پر زنده را آواز

گل و بلبل و ماه و ستاره می خندند

هر آنخدم من!

که رو نامی (نص) ~~...~~ بر سر که بر خنم

بر ابد در تری کتبی ن دید پرواز ...

+ + +

ستیا مهر ۱۹۹۴

راه